

Evaluating the Effect of Fiscal Policy on Inclusive Development in Iran: SVAR Approach

Hossein Rajabpour* 

Ph.D. Student in Economic Development and Planning, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Farshad Momeni 

Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Ali Nasiri Aghdam 

Assistant Professor, Faculty of Economics, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

This article considers the effect of fiscal policy on inclusive development. Inclusive development is one of the concepts that has been introduced in the development economics literature in the last decade and especially with emphasis on the social and political aspects of development, the distribution of development achievements among different sections of society is in focus. Since fiscal policies are one of the main instruments of the government to eliminate deprivation and imbalances, it is important to understand the effectiveness of these policies in this regard. In this study, the components of fiscal policy include the combination of expenditures and revenues and its effect on inclusive development in the period 1981-2018 in the form of two models of structural vector autoregression has been studied. Findings show that most components of government fiscal policy except economic expenditures do not have a significant effect on the index of inclusive development and these economic expenditures have a negative impact on inclusive development. The results show that the government's fiscal policies have failed to achieve or accelerate inclusive development, and despite its legal mission, the government has not been successful in comprehensive expanding welfare and extending it to all social groups. Historical analysis also shows that since the beginning of the 2010s and with the intensification of sanctions and currency fluctuations, the relationship between fiscal policy and the index of inclusive development has been weakened. It seems that the reform of the budgeting process and the simultaneous attention to the two constraints of equality and sustainability in growth and development targeting for fiscal policy on inclusive development is essential.

Keywords: Fiscal Policy, Inclusive Development, Structural Vector Auto-Regression.

JEL Classification: E62, O10, C19.

* Corresponding Author: Hossein.rajabpour@gmail.com


How to Cite: Rajabpour, H., Momeni, F., Nasiri Aghdam, A. (2022). Evaluating the Effect of Fiscal Policy on Inclusive Development in Iran: SVAR Approach. *Iranian Journal of Economic Research*, 27 (90), 9 -39.

- This paper is extracted from Ph.D. thesis at Allameh Tabataba'i University.


سنجش اثر سیاست مالی بر توسعه فراگیر در ایران براساس

رهیافت SVAR


دانشجوی دکتری توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

حسین رجب‌پور* 

استاد، گروه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

فرشاد مومنی 

استادیار، گروه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

علی نصیری‌اقدم 

چکیده

مقاله حاضر اثر سیاست مالی بر توسعه فراگیر را مورد توجه قرار داده است. توسعه فراگیر از جمله مفاهیمی است که در یک دهه گذشته در ادبیات توسعه مطرح شده و به ویژه با تاکید بر جنبه‌های اجتماعی و سیاسی توسعه، نحوه توزیع مواهب توسعه بین بخش‌های گوناگون جامعه را در کانون توجه قرار می‌دهد. از آنجا که سیاست‌های مالی از ابزارهای اصلی دولت برای محرومیت‌زدایی و رفع عدم توازن‌ها هستند، درک میزان تاثیرگذاری این سیاست‌ها در این زمینه حائز اهمیت است. در پژوهش حاضر، اجزای سیاست مالی شامل ترکیب مخارج و ترکیب درآمدها بوده و اثر آن بر توسعه فراگیر در دوره ۱۳۶۰-۱۳۹۷ در قالب دو مدل خودرگرسیون برداری ساختاری مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اکثر اجزای سیاست مالی دولت بجز مخارج اقتصادی، اثر معنی‌داری بر شاخص توسعه فراگیر نداشته و این مخارج نیز تاثیر منفی بر توسعه فراگیر دارد. نتایج همچنین حاکی از این است که سیاست‌های مالی دولت در دستیابی به توسعه فراگیر و یا تسریع آن ناکام بوده و با وجود رسالت قانونی، دولت در بسط همه‌جانبه رفاه و گسترش دامنه آن به همه گروه‌های اجتماعی، موفق نبوده است. تجزیه تاریخی نیز نشان می‌دهد که از ابتدای دهه ۱۳۹۰ و همراه با تشدید تحریم‌ها و جهش ارزی، رابطه سیاست مالی و شاخص توسعه فراگیر تضعیف شده است. به نظر می‌رسد اصلاح فرآیند بودجه‌ریزی و توجه همزمان به دو قید برابری و پایداری در هدف‌گذاری رشد و توسعه برای تاثیرگذار ساختن سیاست‌های مالی بر توسعه فراگیر ضروری است.

کلیدواژه‌ها: سیاست مالی، توسعه فراگیر، نابرابری، خودرگرسیون برداری ساختاری

طبقه‌بندی JEL: E62, O10, D63, C19

مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی است.

* نویسنده مسئول: Hossein.rajabpour@gmail.com

۱. مقدمه

مفهوم توسعه از ابتدای پیدایش آن، مفهومی تحول یابنده بوده است؛ بر همین اساس در حالی که در سال‌های اولیه پیدایش این مفهوم، آن را معادل رشد اقتصادی می‌دانستند در دهه‌های بعدی، ابعاد دیگر رفاه (مانند آموزش، سلامت و محیط زیست) نیز در درون مفهوم توسعه، صورت‌بندی شد؛ به طوری که امروزه، توسعه را تغییری همه‌جانبه در زندگی انسان و نوعی تحول همه‌جانبه رفاه جوامع می‌دانند (متوسلی، ۱۳۸۲). در ادامه همین تحول مفهومی، توسعه فراگیر^۱، توسعه‌ای است که از یکسو ابعاد مختلف توسعه را دربر گرفته و از سوی دیگر، نحوه توزیع مواهب توسعه را در طول این ابعاد مورد توجه قرار داده و بر لزوم برخورداری و بهره‌مندی منصفانه همه گروه‌ها از این مواهب تاکید دارد (Rauniyar & Kanbur, 2010)

توسعه فراگیر همچنین پیوند عمیقی با دولت دارد. دولت هم می‌تواند در نقش تسریع‌کننده و هم مانع توسعه ظاهر شود. از یک طرف، دولت می‌تواند از طریق تعریف قواعد و نهادهای حامی عملکرد بازارها بر رشد اقتصادی تاثیر گذاشته و با یارانه‌های اجتماعی، کاستی‌های بازار را جبران کند (Rodrik, 2005) و از طرف دیگر، دولت تسخیر شده توسط گروه‌های ذی‌نفع می‌تواند از طریق ایجاد نهادهای بهره‌کش^۲ مانع تحقق رفاه برای همه گروه‌ها یا در همه ابعاد آن شود (Acemoglu & Robinson, 2016). بنابراین، می‌توان گفت توسعه فراگیر، نیازمند دولتی است که سیاست‌های خود را در راستای نفع همه بخش‌های جامعه اتخاذ کند و از این نظر بررسی کیفیت تاثیر دولت بر فرآیند توسعه اهمیت دارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران - به عنوان میثاق ملی - در اصول متعدد خود، تلاش داشته تا چتر رفاه اقتصادی - اجتماعی را روی حداکثر شهروندان گسترده کرده و فراگیر بودن دولت را به نسبت تضمین کند. بر این اساس، می‌توان به ایجاد رفاه و رفع فقر، آزادی کار و تامین شرایط مساوی کار، تامین نیازهای اساسی، آموزش و پرورش رایگان، مسکن متناسب با نیاز و... (مفاد اصل ۳ قانون اساسی) اشاره کرد. بنابراین، صرفنظر از بسط ادبیات

1. Inclusive Development
2. Exclusive Institution

توسعه فراگیر در سال‌های اخیر، تحقق آن از زاویه رسالتی که قانون اساسی برای دولت در ایران معین کرده نیز دارای اهمیت است.

دولت برای دستیابی به اهداف و وظایف رفاهی خود، سیاست‌ها و رویه‌های گوناگونی را دنبال می‌کند که از جمله آن‌ها اتخاذ سیاست‌های مالی است. سیاست مالی تنها ابزار دولت برای هدایت توسعه نیست، اما یکی از مهم‌ترین راه‌های سنجش نحوه اثرگذاری دولت بر فرآیند توسعه، بررسی سیاست‌های مالی دولت است. در چارچوب بیان شده، در مقاله حاضر، اثر سیاست مالی از طریق سنجش اثر تکانه‌های اجزای سیاست مالی بر شاخص چند بعدی توسعه فراگیر مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله پیش رو در شش بخش تدوین شده است که با تشریح کلیات در بخش اول (مقدمه)، در بخش دوم به بیان مبانی نظری پرداخته می‌شود. بخش سوم به پژوهش‌های پیشین اختصاص دارد. در بخش چهارم، روش‌شناسی پژوهش ارائه می‌شود. بخش پنجم به بیان یافته‌ها و بخش پایانی به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و پیشنهادها اختصاص یافته است.

۲. مبانی نظری

سیاست‌های دولت را در چارچوب اقتصاد کلان می‌توانیم به دو بخش سیاست‌های مالی (مخارج و مالیات‌ها) و سیاست‌های پولی (تعیین حجم پول و رویکردهای مختلف هدف‌گذاری نرخ بهره و نرخ ارز) تقسیم کنیم (Abbas et al., 2018). آثار سیاست مالی بر اقتصاد از ابتدای طرح آن، مورد بحث مکاتب گوناگون بوده است. در دیدگاه کینزی^۱ (۱۹۳۶)، سیاست مالی در نقش عامل ضدچرخه‌ای می‌تواند موجب جلوگیری از نوسانات اقتصادی شده و ثبات اقتصاد کلان را به همراه بیاورد. بعدتر مکتب ساختارگرا، دیدگاه کینز را با مسائل اقتصادهای در حال توسعه این‌گونه پیوند داد که کمبود سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه از موانع اصلی شروع رشد این کشورها بوده و دولت می‌تواند و باید از طریق مخارج خود، ایجاد زیرساخت‌ها و پیشبرد توسعه دولت-محور، رشد و اشتغال را به همراه بیاورد (Nurkse, 1953). در مقابل در دیدگاه پولی و نئوکلاسیک، نقش سیاست مالی بیشتر معطوف به کوتاه‌مدت بوده و در بلندمدت تاثیری بر رشد و اشتغال ندارد (Freidman, 1968). همچنین مخارج دولت می‌تواند آثار ضد توسعه‌ای نیز داشته باشد؛

1. Keynes, J.

یعنی جایگزینی سرمایه گذاری دولتی به جای سرمایه گذاری خصوصی به دلیل بهره‌وری کمتر مخارج دولتی موجب اختلال در فرآیند رشد شود و یا دولتی شدن اقتصاد با ترغیب رانت جویی، می‌تواند افزایش فساد و تضعیف فرآیندهای رشد و توسعه را به دنبال داشته باشد (Diamond, 1999). معرفی نظریه رشد درون‌زا^۱، توجه مجدد به تاثیر سیاست مالی بر توسعه را به دنبال داشته است. در این چارچوب، افزایش مخارج توسعه‌ای دولت (مانند خدمات زیرساختی) و همچنین مخارج دولت بر دانش و بهبود سرمایه انسانی می‌تواند موجب تحریک رشد و نقشی موثر بر توسعه داشته باشد (Romer, 2001).

در دو دهه اخیر، مطالعات مربوط به تاثیرات سیاست مالی از تمرکز بر رشد اقتصادی فراتر رفته و بررسی اثر سیاست مالی بر رشد فراگیر (رشد همراه با کاهش نابرابری) (Berg & Ostry, 2011) و اثر سیاست مالی بر توسعه (ابعاد غیردرآمدی رفاه) نیز مورد توجه قرار گرفته است. (Roe & Addison, 2004). در ادامه همین تحول مطالعات توسعه، سنجش اثر سیاست مالی بر توسعه فراگیر هم دارای اهمیت می‌شود.

توسعه فراگیر با ایجاد فرصت‌های درآمدی و غیردرآمدی بهبود رفاه و توزیع آن سروکار دارد. این مفهوم مانند توسعه با شناسایی ابعاد غیردرآمدی رفاه از رشد اقتصادی فراتر رفته و با تاکید بر نحوه توزیع مواهب توسعه در هر دو بعد درآمدی و غیردرآمدی رفاه از توسعه تمایز یافته و فراگیری را به مساله توسعه اضافه می‌کند (Rauniyar & Kanbur, 2010). بر این اساس، توسعه فراگیر مفهومی چندبعدی است که حداقل واجد سه بعد ایجاد فرصت‌های اقتصادی (مانند رشد و اشتغال)، ایجاد فرصت‌های غیراقتصادی (غیردرآمدی)، بهبود رفاه (مانند آموزش و سلامت) و دو بعد اضافی بهبود وضعیت محیط زیست (پایداری توسعه) و بهبود حکمرانی (به عنوان ابزاری برای تضمین مشارکت و شنیده شدن صدای اقلیت‌ها و محرومین در فرآیند توسعه) است. سیاست مالی به روش‌های گوناگون بر این ابعاد تاثیرگذار شناخته شده و می‌تواند مولفه‌های آن را تحت تاثیر قرار دهد.

سازوکار تاثیرگذاری سیاست مالی بر ابعاد گوناگون توسعه فراگیر در ترکیب اجزای آن نهفته است. در بخش مخارج، این تاثیرات را در قالب اثر بودجه جاری و عمرانی و یا امور بودجه (اقتصادی، اجتماعی، عمومی و دفاعی) می‌توان تجزیه کرده و مورد بررسی قرار داد. سیاست مالی از طریق مخارج عمرانی (پروژه‌های سرمایه‌گذاری و بهبود زیرساخت‌ها)

می‌تواند بر ایجاد فرصت‌های اقتصادی (بعد رشد و اشتغال) تاثیر بگذارد. مخارج جاری دولت نیز بر طیفی از متغیرهای توسعه‌ای مانند حفاظت از محیط‌زیست و نیز پرداخت‌های انتقالی به فقرا تاثیرگذار شناخته شده است (Addison et al., 2018). علاوه بر این، مخارج دولت بر ابعاد غیردرآمدی رفاه مانند آموزش و سلامت نیز می‌تواند موثر باشد؛ به ویژه در دو دهه اخیر، نقش مخارج دولت در بهبود شاخص‌های توسعه انسانی از جمله در زمینه دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی اولیه و آموزش ابتدایی مورد توجه قرار گرفته است (Roe & Addison, 2004). البته این مخارج می‌تواند دارای اثر ازدحامی باشد؛ به عنوان مثال، در حوزه ایجاد فرصت‌های اقتصادی برخی پژوهش‌ها نتیجه گرفته‌اند که به دلیل بهره‌وری کمتر بخش دولتی بر بخش خصوصی، تاثیر سرمایه‌گذاری دولتی بر رشد بلندمدت با ابهام فراوان روبه‌رو است (Krasniqi, 2013).

وجه دیگر سیاست مالی (یعنی مالیات‌ها) نیز توجهات گسترده‌ای را به خود جلب کرده است. به عنوان مثال، مطالعات اخیر بانک جهانی نشان می‌دهد رشد همراه با نابرابری کمتر می‌تواند از استمرار بیشتری در بلندمدت بهره‌مند شود (Berg & Ostry, 2011). بنابراین، تاثیر سیاست مالی بر هر دو بعد ایجاد و توزیع فرصت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. از این منظر، تغییر رویه مالیات‌ستانی می‌تواند در بلندمدت بر رشد فراگیر (رشد همراه با کاهش نابرابری) تاثیر مثبت داشته باشد (Estrada & Sang-Hyop, 2014).

در قالب امور بودجه، سیاست مالی از طریق مخارج اقتصادی بر بعد ایجاد فرصت (رشد و اشتغال) و از طریق مخارج اجتماعی بر ابعاد غیردرآمدی رفاه (مانند آموزش و سلامت) موثر است. البته پژوهش‌ها گوناگون، اثر بهبود بعد غیردرآمدی رفاه بر رشد (از طریق بهبود سرمایه انسانی) را هم نشان داده‌اند (Clement et al., 2003). در همین قالب نیز مخارج دفاعی، می‌تواند در بلندمدت آثار پیچیده‌ای بر بهبود امنیت اجتماعی و رشد اقتصادی به همراه داشته باشد که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

سازوکار دیگر تاثیر سیاست مالی بر توسعه فراگیر از سمت ترکیب درآمدی (مالیات‌ها) است. درآمدهای مالیاتی را به شیوه‌های مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند که متداول‌ترین آن تقسیم مالیات‌ها به مالیات مستقیم (مالیات بر ثروت و درآمد) و مالیات غیرمستقیم (مالیات بر مصرف) است. افزایش مالیات‌ها به ویژه مالیات‌های مستقیم می‌تواند موجب کاهش نابرابری شود. البته مالیات‌ها می‌توانند اثر اختلالی بر رشد هم به همراه داشته باشند؛ زیرا افزایش

مالیات‌ها می‌تواند انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش داده و مانع رشد شود. با این وجود در ادبیات این حوزه، نظر یکسانی درباره اثر مالیات‌ها بر رشد و نابرابری وجود ندارد (AI-Shatti, 2014). از زاویه تاثیر بر رشد گاه استدلال شده است که اثر اختلالی مالیات بر مصرف، کمتر است؛ با این وجود اگر هدف کاهش نابرابری باشد، بیشتر پژوهش‌ها این نکته را مورد تایید قرار داده‌اند که مالیات مستقیم بر کاهش نابرابری موثرتر است (AI-Shatti, 2014). همچنین افزایش درآمدهای مالیاتی می‌تواند منابع لازم برای پرداخت‌های انتقالی بیشتر به فقرا را فراهم کرده و زمینه بهبود متغیرهای اجتماعی را فراهم آورد.

علاوه بر این، سیاست‌های مالی انبساطی (افزایش مخارج) می‌تواند از طریق تاثیر بر متغیرهای پولی و آثار تورمی، فقر را دامن زده و اثر آن بر توسعه فراگیر کاهش یابد. همچنین با توجه به اینکه توسعه فراگیر بر وضعیت گروه‌های محروم و کمتر برخوردار تمرکز دارد، سیاست مالی در صورتی که مخارج دولت تمرکزگرا بوده و صرفه‌های آن به صورت نابرابر میان بخش‌ها، اقلیت‌ها و گروه‌های کمتر برخوردار توزیع شود، می‌تواند به جای بهبود توزیع توسعه فراگیر، آن را تضعیف کند.

بنابراین، می‌توان گفت که سیاست مالی از ابعاد گوناگون بر توسعه فراگیر تاثیرگذار است، اما با توجه به چندبعدی بودن متغیرهای مورد توجه در توسعه فراگیر با نوعی پیچیدگی در سازوکارهای تاثیر سیاست مالی بر متغیرهای توسعه‌ای در ادبیات این حوزه روبه‌رو هستیم. در واقع، هدف‌گیری هر بعد می‌تواند تاثیرات متقابلی در سایر ابعاد داشته باشد. با این وجود، ارزیابی اثر کلی و اثر اجزای سیاست‌های مالی بر توسعه فراگیر با وجود همه ازدحام‌ها و تداخل‌های موجود در متغیرهای مختلف (که می‌تواند متأثر از سیاست‌های پولی نیز باشد) از این نظر دارای اهمیت است که ترسیمی آسیب‌شناختی از میزان تاثیرگذاری سیاست‌های مالی بر توسعه فراگیر به دست می‌دهد، اینکه آیا تغییر در ترکیب منابع و مصارف دولت با تحولی معنی‌دار در توسعه کشور همراه بوده است یا خیر.

۳. پژوهش‌های پیشین

پژوهش‌ها در زمینه اثر سیاست مالی بر توسعه فراگیر از گستردگی بالایی برخوردار است. این گستردگی که خود ناشی از فقدان تعریف عملیاتی واحد برای تعریف فراگیری در توسعه فراگیر است به سه طریق در پژوهش‌ها بازتاب یافته است:

- شیوه اول؛ تعریف فراگیری با افزودن فقرزدایی و نابرابری‌زدایی به تغییر رفاه (رشد اقتصادی) است. برخی پژوهش‌ها اثر سیاست مالی را بر رشدی که همراه با کاهش فقر و نابرابری باشد مورد سنجش قرار داده‌اند (ر. ک: Birdsall, 2007; Osundina, 2014 and Khan & Hashmi, 2015). نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که مخارج روی سلامت اثر مثبت بر رشد همراه با کاهش فقر و نابرابری داشته است. مخارج دولت در کشورهایی مانند نیجریه بر زیرساخت حمل‌ونقل اثر منفی بر کاهش فقر داشته است. این پژوهش‌ها تنها بخشی از متغیرهای مورد توجه در توسعه فراگیر را پوشش داده‌اند و جنبه‌های مهمی از توسعه فراگیر را بیرون از تحلیل قرار داده‌اند.

- روش دوم؛ افزودن اشتغال‌زایی به کاهش فقر و نابرابری و بهبود رشد اقتصادی بوده است. در این پژوهش‌ها با توجه به اینکه مهم‌ترین کانال فقرزدایی و توزیع منصفانه‌تر مواهب توسعه، اشتغال‌زایی است، اثر سیاست مالی بر مجموعه متغیرهای رشد، فقر، نابرابری و اشتغال مورد بررسی قرار گرفته است (ر. ک: Zulfiqar, 2018 and Sabir & Qamar, 2019). البته پژوهش‌های این حوزه با نتایج متفاوتی همراه بوده است. به عنوان نمونه، ذولفقار^۱ (۲۰۱۸)، سیاست مالی پاکستان را ناتوان از تحقق رشد و توسعه فراگیر ارزیابی می‌کند. این پژوهش‌ها نیز بخشی از ابعاد توسعه فراگیر (به ویژه ابعاد غیردرآمدی) را از تحلیل بیرون قرار داده‌اند.

- روش سوم؛ دخالت دادن ابعاد غیردرآمدی در تعریف فراگیری است. در دسته سوم پژوهش‌ها، اثر سیاست مالی بر ابعاد غیردرآمدی توسعه فراگیر (مانند آموزش و سلامت) مورد توجه قرار گرفته است (ر. ک: Hur, 2014; Bhorat, et al., 2014; Fournier, 2018 and Sasana & Kusuma, 2016). این پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهند که از میان مخارج دولت، مخارج روی آموزش و سلامت تاثیر مثبت و معنی‌داری بر رشد همراه با کاهش نابرابری داشته است؛ در حالی که درباره اثر یارانه‌های اجتماعی توافق وجود ندارد. به عنوان مثال، بوهرات و همکاران^۲ (۲۰۱۴) با بررسی شاخص ۵ بعدی فقر در آفریقای جنوبی نشان داده‌اند که فقر زیرگروه زنان سرپرست خانوار با وجود سیاست‌های مالی تسریع رشد و بازتوزیع، همچنان شدید است.

1. Zulfiqar, K.

2. Bhorat, H., et al.

مطالعات داخلی اثر سیاست مالی بر رشد و توسعه فراگیر را بیشتر می‌توان به پژوهش درباره اثر سیاست مالی بر رشد، فقر و نابرابری و نیز اشتغال تقسیم کرد. مطالعاتی که بر اثر سیاست مالی بر رشد اقتصادی در ایران متمرکز بوده‌اند (ر. ک: شفیع و همکاران، ۱۳۸۵ و ابونوری و همکاران، ۱۳۸۹) بیشتر نتیجه گرفته‌اند که مخارج عمرانی دارای اثر مثبت و مالیات‌ها دارای اثر منفی بر رشد اقتصادی در ایران هستند. این پژوهش‌ها درباره اثر مخارج مصرفی (جاری) بر تولید ناخالص داخلی به نتایج یکسانی نرسیده‌اند.

مطالعات درباره اثر سیاست مالی بر کاهش فقر و نابرابری (ر. ک: دادگر و همکاران، ۱۳۸۷؛ فلاحتی و همکاران، ۱۳۸۸ و اکبری و همکاران، ۱۳۹۰) سیاست‌های مالی انبساطی و برخی زیرمجموعه‌های آن (مخارج جاری سرانه) را دارای اثر افزایش دهنده نابرابری ارزیابی کرده‌اند. البته ارزیابی از اثر مخارج عمرانی بر نابرابری در این پژوهش‌ها یکسان نبوده و اکبری و همکاران (۱۳۹۰) اثر آن را کاهش دهنده نابرابری دانسته‌اند.

مطالعاتی که اشتغال را در کنار متغیرهای تولید و نابرابری مورد بررسی قرار داده‌اند (ر. ک: فولادی و ستایش، ۱۳۹۳ و عزیزی، ۱۳۸۷) نتایج یکسانی درباره اثر سیاست‌های مالی نگرفته‌اند. به عنوان مثال، فولادی و ستایش (۱۳۹۳)، مخارج دولت را موجب بهبود تولید و اشتغال دانسته‌اند؛ در حالی که عزیزی (۱۳۸۷) تنها مخارج جاری را بر نرخ مشارکت زنان دارای اثر مثبت دانسته و مخارج عمرانی را دارای اثر منفی بر آن ارزیابی کرده است.

با توجه به مطالعات صورت گرفته، مشارکت پژوهش حاضر در ادبیات موضوع در سه زمینه صورت گرفته است که عبارتند از: ۱- گسترده کردن دامنه متغیرهای درگیر در تعریف عملیاتی فراگیری (در برگرفتن ابعاد درآمدی و غیردرآمدی رفاه)، ۲- ساخت دو مدل ترکیب مخارج برای بررسی اثر سیاست مالی و ۳- بررسی اثر سیاست‌های مالی در قالب مدل SVAR.

مدل SVAR اجازه می‌دهد تا اثر سیاست‌های مالی با احتساب وقفه‌های اثرگذاری و جداسازی اثر شوک‌های برون‌زا (مانند شوک‌های نفتی برای اقتصاد ایران) محاسبه شده و پویایی تاثیر متغیرهای مدل بر یکدیگر در بررسی روابط نیز دیده شود.

۴. روش‌شناسی

۴-۱. معرفی مدل

SVAR مدلی است که بیشتر برای تحلیل سیاست اقتصادی مورد استفاده است. مدل‌های VAR ساختاری، اولین بار برای مطالعه سیاست پولی معرفی شد (Sims, 1986 and Bernanke & Gertler, 1986). این روش به محققان اجازه می‌دهد تعاملات پویای بین متغیرهای مدل را به روشی ساده و قدرتمند مورد مطالعه قرار دهند. در سال‌های بعد این روش برای تحلیل آثار پویای سیاست مالی؛ یعنی تصمیمات مربوط به هزینه و مالیات نیز مورد استفاده قرار گرفت (Blanchard & Perotti, 2002).

محبوبیت الگوی SVAR به این دلیل است که برخلاف الگوی VAR غیرمقید که در آن‌ها شناسایی تکانه‌های ساختاری به طور ضمنی و سلیقه‌ای صورت می‌گیرد، الگوهای SVAR به طور صریح حاوی یک منطق اقتصادی یا استفاده از تئوری‌های اقتصادی برای اعمال قیود و محدودیت‌ها است (Muscatelli et al., 2002). همچنین این مدل امکان می‌دهد تا اثر سیاست مالی بر کنترل نوسانات اقتصادی با استفاده از سنج‌های اختیاری^۱ دیده شود (Hur, 2014). با این وجود، استفاده از SVAR برای تجزیه و تحلیل سیاست‌های مالی چالش‌برانگیزتر از تحلیل سیاست‌های پولی است؛ زیرا سیاست‌های نامشخص و یا غیرقابل شناسایی و سازوکارهای تثبیت خودکار یا شوک‌های فصلی در اینجا مانع شناسایی همبستگی یا علیت در میان اختلالات مدل می‌شود. با این وجود، ابداعات در سیستم‌های VAR کنونی بر این مشکلات متمرکز شده و جداسازی تکانه‌ها با توابع پاسخ به تغییر^۲، تجزیه واریانس^۳ و نوسانات تاریخی متغیرها در پاسخ به تکانه‌ها^۴ (Fratzcher & Straub, 2008) مورد توجه قرار گرفته است.

مدل‌های SVAR می‌توانند به صورت مجموعه‌ای از متغیرها که تغییرات آن‌ها توسط وقفه‌های خود و سایر متغیرها توضیح داده می‌شود، بیان شوند. رابطه اصلی الگوی VAR به صورت رابطه (۱) است.

-
1. Discretionary Measures
 2. Impulse-Response Function
 3. Varince Decomposition
 4. Historical Varince Decomposition

$$Y_t = C(L)Y_{t-i} + u_t \quad (1)$$

در رابطه (۱)، حرف (L) بیانگر عملگر تاخیری است. برای برآورد الگوی SVAR ابتدا باید الگوی VAR برآورد شده و در صورتی که الگوی مورد نظر تایید شد، می توان از الگوی SVAR استفاده کرد. تفاوت برآورد SVAR با مدل VAR در این است که در آن مدل برای تاثیر متغیرها در دوره صفر بر یکدیگر تعدادی فرض محدودکننده اعمال می شود. برای برآورد الگوی VAR، الگو را می توان به صورت رابطه (۲) نوشت.

$$AY_t = B(L)Y_{t-i} + \varepsilon_t \quad (2)$$

در رابطه (۲)، ε_t نشانگر تکانه های ساختاری است و فرض بر این است که با یکدیگر همبستگی ندارند. A و B ماتریس هایی با ضرایب (K*K) و B همچنین ماتریس فرم ساختاری هستند. حال با توجه به دو الگویی که مطرح شد خطاهای فرم حل شده را به اختلالات فرم ساختاری به $u_t = A^{-1}B\varepsilon_t$ می توان مرتبط کرد. بر این اساس، فرم خلاصه شده در یک مدل SVAR به صورت رابطه (۳) است.

$$A\varepsilon_t = BU_t \quad (3)$$

در رابطه (۳)، ε_t و U_t به ترتیب بردارهای جملات اخلاص فرم خلاصه شده (ε_t) و جملات اخلاص ساختاری (U_t) هستند که هم ε_t و U_t بردارهایی با ابعاد (K*1) و A و B ماتریس هایی با ابعاد (K*K) هستند. در اینجا فرض این است که تمام متغیرهای معادله درون ماتریس Y قرار دارند و جزء اختلال در این مدل U است.

۴-۲. معرفی داده ها

در پژوهش حاضر برای سنجش اثر سیاست مالی بر توسعه فراگیر، ابتدا شاخص ترکیبی توسعه فراگیر براساس متغیرها و روش مورد استفاده جوشی^۱ (بانک توسعه آسیایی^۲ - ۲۰۱۱)،

1. Joshi, K.
2. Asian Development Bank (ADB)

حکیمیان^۱ (برای بانک توسعه آفریقایی - ۲۰۱۶) و سامنز و همکاران^۲ (برای مجمع جهانی اقتصاد - ۲۰۱۸)^۳ محاسبه شده است. همچنین در بررسی اثر اجزای سیاست مالی بر توسعه فراگیر، ترکیب مخارج در مدل اول به دو دسته جاری و عمرانی و در مدل دوم به چهار دسته مخارج اقتصادی، اجتماعی، عمومی و دفاعی (امور بودجه) تقسیم شده است. درآمدها در دو مدل به نفت و مالیات و مالیات‌ها نیز در مدل اول به دو دسته مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، تقسیم شده است. علاوه بر این، تولید ناخالص داخلی به عنوان متغیر کنترلی به مدل افزوده شده است.

متغیرهای مورد استفاده در ساخت این شاخص در جدول (۱) آمده است.^۴

جدول ۱. ابعاد، مولفه‌ها و متغیرهای شاخص توسعه فراگیر

متغیر	مولفه
درآمد سرانه داخلی (دلار ثابت ۲۰۱۰)/ رشد درآمد سرانه (درصد سالانه)	رشد
بیکاری کل / نرخ مشارکت/ نرخ حوادث کار به بیمه شدگان اصلی	اشتغال
سرانه راه کشور/ پراکندگی راه در کشور	زیرساخت
شاخص تورم/ نسبت هزینه غیرخوراکی به خوراکی (مناطق شهری)/ بار تکفل	فقر
ضریب جینی/ نسبت دهک دهم به دهک اول/ پراکندگی ظرفیت سرانه سینماها	نابرابری درآمدی
سرانه تخت در کشور/ پراکندگی پزشک عمومی در استان‌ها	سلامت
نرخ دانش آموز به معلم، ابتدایی/ نرخ دانش آموز به معلم، متوسطه	آموزش
قتل (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر) خودکشی (به ازای هر ۱۰۰ هزار نفر)	امنیت اجتماعی
انتشار CO2/ مساحت آتش سوزی مراتع و جنگل‌ها (به کل مناطق تحت نظارت)	حفاظت محیط زیست
سهم کرسی های زنان در پارلمان/ شاخص آزادی خانه آزادی/ وضعیت سیاسی	حکمرانی

ماخذ: یافته‌های پژوهش

1. Hakimian, H.
2. Samans R., et al.
3. World Economic Froum (WEF)

۴. برای آشنایی بیشتر با جزئیات ساخت شاخص توسعه فراگیر می‌توانید به منبع زیر مراجعه کنید:

رجب پور، مومنی و نصیری اقدم. (۱۳۹۹). اندازه‌گیری توسعه فراگیر در ایران (۱۳۹۵-۱۳۶۰). *رفاه اجتماعی*، ۲۰(۷۹)، ۵۴-۹.

جدول (۲)، متغیرهای مدل را نشان می‌دهد. دوره مورد مطالعه (۱۳۶۰-۱۳۹۵) و آمارهای مربوط به بودجه از داده‌های بانک مرکزی و مرکز آمار استخراج شده است. با توجه به اینکه تخمین مدل به صورت خطی صورت می‌گیرد، متغیرهای مدل به صورت لگاریتمی درآمده‌اند.

جدول ۲. متغیرهای پژوهش

نماد	متغیر	نماد	متغیر
LG_Cur	لگاریتم پرداخت های جاری	LTax_Dr	لگاریتم مالیات مستقیم
LG_Dev	لگاریتم پرداخت های عمرانی	LTax_Indr	لگاریتم مالیات غیرمستقیم
LG_Pu	لگاریتم مخارج امور عمومی	LTax	لگاریتم درآمدهای مالیاتی دولت
LG_Mlt	لگاریتم مخارج دفاعی	LOil	لگاریتم درآمد نفتی
LG_Soc	لگاریتم مخارج امور اجتماعی	LGdp	لگاریتم تولید ناخالص داخلی
LG_Eco	لگاریتم مخارج امور اقتصادی	LId	لگاریتم شاخص توسعه فراگیر

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۳-۴. مانایی مدل

پیش از انجام آزمون، نیازمند بررسی مانایی هستیم که در اینجا با استفاده از آزمون دیکی فولر تعمیم یافته^۱ (ADF) انجام شده است.

همانطور که جدول (۳) نشان می‌دهد، تمامی متغیرها در سطح دارای ریشه واحد هستند، اما در تفاضل مرتب اول خود هم‌انباشته از مرتبه صفر (I_0) یا مانا محسوب می‌شوند. مرحله بعدی، تعیین طول وقفه بهینه در مدل با است. همانطور که جدول (۴) نشان داده شده است با توجه به اینکه معیار شوارتز^۲ هنگامی که تعداد مشاهدات زیر ۱۰۰ باشد، نتایج بهتری به همراه دارد، طول وقفه بهینه برای هر دو مدل، ۱ تشخیص داده شد.

1. Augmented Dickey-Fuller
2. Schwarz Criterion

جدول ۳. وضعیت مانایی متغیرها با استفاده از آزمون ADF

متغیرها در سطح	مقدار ADF	مقادیر بحرانی (۵ درصد)	مقدار آماره ADF (تفاضل مرتبه اول)	مقادیر بحرانی (تفاضل مرتبه اول) (۵ درصد)
پرداخت‌های جاری	۰/۱۸۶۶	۰/۹۶۸۰	-۴/۶۷۵۶	۰/۰۰۰۶
پرداخت‌های عمرانی	-۰/۴۲۶۸	۰/۸۹۳۸	-۷/۰۰۴۵	۰/۰۰۰۰
مخارج امور عمومی	-۰/۷۸۸۷	۰/۸۱۰۶	-۶/۷۹۲۵	۰/۰۰۰۰
مخارج امور دفاعی	-۰/۶۸۷۲	۰/۸۳۷۱	-۷/۶۷۱۶	۰/۰۰۰۰
مخارج امور اقتصادی	-۰/۶۳۱۲	۰/۸۵۱۴	-۵/۸۲۲۶	۰/۰۰۰۰
مخارج امور اجتماعی	-۲/۰۴۰۴	۰/۲۶۹۱	-۵/۳۸۳۳	۰/۰۰۰۱
مالیات‌های مستقیم	-۰/۲۶۲۵	۰/۹۲۱۰	-۵/۸۹۴۱	۰/۰۰۰۰
مالیات‌های غیرمستقیم	-۰/۴۱۱۳	۰/۸۹۶۶	-۸/۰۹۸۸	۰/۰۰۰۰
مالیات‌ها	-۰/۶۲۸۲	۰/۸۵۲۱	-۴/۸۳۳۹	۰/۰۰۰۴
درآمد نفتی	-۰/۷۹۲۸	۰/۸۰۹۴	-۶/۹۸۱۵	۰/۰۰۰۰
تولید ناخالص داخلی	-۰/۹۷۲۸	۰/۷۵۲۸	-۵/۳۴۲۵	۰/۰۰۰۱
شاخص توسعه فراگیر	-۲/۵۹۷۳	۰/۱۰۲۶	-۶/۳۱۴۸	۰/۰۰۰۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۴. تعیین طول وقفه بهینه

وقفه بهینه مدل اول						
HQ	SC	AIC	FPE	LR	LogL	Lag
-۰/۵۹۲	-۰/۱۸۵	-۰/۸۰۷	۰/۰۰۰	NA	۲۸/۱۲۴	۰
-۶/۳۴۸*	-۴/۵۱۴*	-۷/۳۱۴	۱/۷۱e-۱۲ *	۲۴۱/۹۹۹ *	۱۹۱/۰۰۳	۱
-۵/۳۴۶	-۲/۰۸۷	-۷/۰۶۴	۰/۰۰۰	۴۸/۴۳۵	۲۳۵/۶۱۴	۲
-۵/۸۵۰	-۱/۱۶۵	-۸/۳۱۹*	۰/۰۰۰	۴۸/۶۶۸	۳۰۶/۵۸۹	۳
وقفه بهینه مدل دوم						
HQ	SC	AIC	FPE	LR	LogL	Lag
۱/۴۹۰	۱/۹۵۵	۱/۲۴۴	۰/۰۰۰	NA	-۵/۷۷۳	۰
-۳/۹۸۹	-۱/۶۶۱*	-۵/۲۱۶	۰/۰۰۰	۲۵۲/۹۳۸*	۱۷۱/۲۸۴	۱
-۳/۱۳۷	۱/۰۵۳	-۵/۳۴۶	۰/۰۰۰	۶۴/۳۸۵	۲۳۷/۵۶۳	۲
-۶/۵۶۴ *	-۰/۵۱۲	-۹/۷۵۵*	۲/۴۶e-۱۳*	۷۲/۵۹۱	۳۷۸/۷۱۳	۳

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۴-۴. آزمون همگرایی

با توجه به اینکه متغیرهای پژوهش در سطح نامانا هستند تنها در صورتی می‌توان از آن‌ها در تحقیق استفاده کرد که هم‌انباشته باشند. روش رایج به منظور آزمون درجه هم‌انباشتگی سری‌های اقتصادی استفاده از آزمون جوهانسون^۱ است.

براساس نتایج جدول (۵)، متغیرها در هر دو مدل هم‌انباشته بوده و با احتساب عرض از مبدا یک یا حداکثر سه رابطه بلندمدت در سطح ۹۵ درصد اطمینان بین متغیرهای مدل اول و با احتساب عرض از مبدا و بدون روند یک و حداکثر سه رابطه بلندمدت بین متغیرهای پژوهش برقرار است.

1. Johansen cointegration test

جدول ۵. آزمون هم‌انباشتگی جوهانسون

مدل اول									
آزمون (Max-Eigen)					آزمون (trace)				
سطح احتمال	مقادیر بحرانی در سطح	آماره آزمون	فرضیه مقابل	فرضیه صفر	سطح احتمال	مقادیر بحرانی در سطح	آماره آزمون	فرضیه مقابل	فرضیه صفر
۰/۰۰۸	۴۶/۲۳۱	۵۳/۳۳۷	r=1	r≤0	۰/۰۰۰	۱۲۵/۶۱۵	۱۶۸/۰۴۱	r=1	r≤0
۰/۱۵۱	۴۰/۰۷۸	۳۵/۴۶۷	r=2	r≤1	۰/۰۰۱	۹۵/۷۵۴	۱۱۴/۷۰۴	r=2	r≤1
۰/۰۷۲	۳۳/۸۷۷	۳۲/۴۹۴	r=3	r≤2	۰/۰۰۷	۶۹/۸۱۹	۷۹/۲۳۷	r=3	r≤2
۰/۱۱۷	۲۷/۵۸۴	۲۴/۵۴۰	r=4	r≤3	۰/۰۶۳	۴۷/۸۵۶	۴۶/۷۴۳	r=4	r≤3
۰/۴۵۰	۲۱/۱۳۲	۱۳/۰۲۷	r=5	r≤4	۰/۲۸۷	۲۹/۷۹۷	۲۲/۲۰۳	r=5	r≤4
مدل دوم									
آزمون (Max-Eigen)					آزمون (trace)				
۰/۰۰۳	۵۲/۳۶۳	۶۳/۱۱۰	r=1	r≤0	۰/۰۰۰	۱۵۹/۵۳۰	۲۰۴/۵۴۱	r=1	r≤0
۰/۱۰۱	۴۶/۲۳۱	۴۳/۲۵۳	r=2	r≤1	۰/۰۰۴	۱۲۵/۶۱۵	۱۴۱/۴۳۲	r=2	r≤1
۰/۴۶۷	۴۰/۰۷۸	۲۹/۳۵۷	r=3	r≤2	۰/۰۳۴	۹۵/۷۵۴	۹۸/۱۷۹	r=3	r≤2
۰/۳۶۳	۳۳/۸۷۷	۲۵/۳۲۹	r=4	r≤3	۰/۰۶۰	۶۹/۸۱۹	۶۸/۸۲۲	r=4	r≤3
۰/۳۷۸	۲۷/۵۸۴	۱۹/۴۸۶	r=5	r≤4	۰/۱۲۱	۴۷/۸۵۶	۴۳/۴۹۳	r=5	r≤4

ماخذ: یافته‌های پژوهش

۴-۵. برآورد مدل SVAR

باتوجه به اینکه مقاله حاضر درصدد سنجش اثر تکانه‌های سیاست مالی بر توسعه فراگیر است در ادامه دو مدل خودرگرسیون برداری (رابطه (۴)) براساس مدل تعدیل یافته VAR (رابطه (۲)) برآورد می‌شود.

$$X_t^i = C + D(L)X_t^i + u_t \quad (۴)$$

که در آن X_t^i به دو شکل رابطه‌های (۵) و (۶) محاسبه شده است.

$$X_t^1 = (loil.lgcur.lgdev.lgdp.ltar.ltindr.lid) \quad (۵)$$

$$X_t^2 = (loil.lgpu.lgmt.lgeco.lgsoc.lgdp.ltax.lid) \quad (۶)$$

همچنان که در بخش معرفی داده‌ها توضیح داده شد، تفاوت دو مدل برآورد شده تنها در ترکیب مخارج و درآمدهای دولت است.

۶-۴. مساله شناسایی

در مدل‌های VAR برای شناسا کردن فرم خلاصه شده (رابطه (۳))، نیازمند داشتن تعدادی قید هستیم. در مدل‌های SVAR، این قیود براساس تئوری‌های اقتصادی شناسایی می‌شود. در مطالعه حاضر، محدودیت‌های شناسایی، براساس رابطه (۳)، فرمی گسترده به شکل رابطه (۷) را برای مدل SVAR اول می‌توان نوشت.

$$\begin{bmatrix} \varepsilon^{loil} \\ \varepsilon^{lgcur} \\ \varepsilon^{lgdev} \\ \varepsilon^{lgdp} \\ \varepsilon^{ltar} \\ \varepsilon^{ltindr} \\ \varepsilon^{lid} \end{bmatrix} = \begin{pmatrix} b_{11} & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ b_{21} & b_{22} & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ b_{31} & 0 & b_{33} & 0 & 0 & 0 & 0 \\ b_{41} & b_{42} & b_{43} & b_{44} & 0 & 0 & 0 \\ b_{51} & b_{52} & b_{53} & b_{54} & b_{55} & 0 & 0 \\ b_{61} & b_{62} & b_{63} & b_{64} & 0 & b_{66} & 0 \\ b_{71} & b_{72} & b_{73} & b_{74} & b_{75} & b_{76} & b_{77} \end{pmatrix} \times \begin{bmatrix} u^{loil} \\ u^{lgcur} \\ u^{lgdev} \\ u^{lgdp} \\ u^{ltar} \\ u^{ltindr} \\ u^{lid} \end{bmatrix} \quad (۷)$$

در رابطه (۷) برای شناسا شدن مدل، ۴ دسته محدودیت‌ها فرض شده است. فرض اول مربوط به اثر شوک‌های نفتی بر اقتصاد ایران است. سیاست مالی در اقتصادی که نفت بخش مهمی از درآمد دولت را تشکیل می‌دهد در برابر نوسانات قیمت نفت، بیشتر نقش قیمت‌پذیر^۱ داشته و تحولات داخلی اقتصاد ایران فاقد توان تاثیرگذاری بر آن هستند؛ درحالی که به سرعت از آن متاثر می‌شوند. همچنین شاخص قیمت نفت، متغیری است که برای سیاست‌گذاران قابل مشاهده بوده و می‌تواند به سرعت (در همان دوره) بر سطح مخارج در اقتصاد تاثیر بگذارد (قاسمی و مهاجری، ۱۳۹۴ و توکلی قوچانی و همکاران، ۱۳۹۶).

فرض دوم در قالب محدودیت‌های سطر دوم و سوم مربوط به رابطه اجزای مخارج دولت و سایر متغیرها مانند تولید ناخالص داخلی مطرح شده است. بسیاری از مطالعات، مخارج دولت را نسبت به سایر متغیرهای موجود در مدل، برون‌زا در نظر می‌گیرند (Blanchard & Perotti, 2002)؛ زیرا در صورت وارد شدن شوکی به تولید ناخالص داخلی، سیاست‌گذاران معمولاً با وقفه‌های شناسایی و تصمیم‌گیری برای واکنش به آن مواجه هستند. البته همانطور که گفته شد، این مخارج نسبت به درآمدهای نفت درون‌زا محسوب می‌شود.

فرض سوم در قالب محدودیت‌های سطرهای پنجم و ششم مطرح شده است. این محدودیت‌ها بیانگر این هستند که شوک‌های مالیاتی، فعالیت‌های اقتصادی را در همان دوره به صورت معناداری تحت تاثیر قرار نمی‌دهند؛ زیرا مدت زمانی طول می‌کشد تا خود را تعدیل کنند. در مقابل، تغییر فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند درآمدهای مالیاتی را در همان دوره تحت تاثیر قرار دهد.

فرض چهارم درباره متعامد بودن جملات اخلاص ساختاری است که این دسته از محدودیت‌ها، مواد لازم را برای شناسایی کامل ماتریس فراهم می‌کند. مدل دوم نیز فروض و محدودیت‌هایی مشابه مدل اول دارد. فرم گسترده این مدل را می‌توان به صورت رابطه (۸) نوشت.

$$\begin{bmatrix} \varepsilon^{loil} \\ \varepsilon^{lgpu} \\ \varepsilon^{lgmt} \\ \varepsilon^{lgeco} \\ \varepsilon^{lgsoc} \\ \varepsilon^{lgdp} \\ \varepsilon^{ltax} \\ \varepsilon^{lid} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} b_{11} & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ b_{21} & b_{22} & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ b_{31} & 0 & b_{33} & 0 & 0 & 0 & 0 & 0 \\ b_{41} & 0 & 0 & b_{44} & 0 & 0 & 0 & 0 \\ b_{51} & 0 & 0 & 0 & b_{55} & 0 & 0 & 0 \\ b_{61} & b_{61} & b_{61} & b_{61} & b_{61} & b_{61} & 0 & 0 \\ b_{71} & b_{71} & b_{71} & b_{71} & b_{71} & b_{71} & b_{71} & 0 \\ b_{81} & b_{82} & b_{83} & b_{84} & b_{85} & b_{86} & b_{87} & b_{88} \end{bmatrix} \times \begin{bmatrix} u^{loil} \\ u^{lgpu} \\ u^{lgmt} \\ u^{lgeco} \\ u^{lgsoc} \\ u^{lgdp} \\ u^{ltax} \\ u^{lid} \end{bmatrix} \quad (8)$$

۵. یافته‌های پژوهش

برای برآورد مدل‌ها از نرم‌افزار Eviews10 استفاده شد. نتایج برآورد هر دو مدل در ادامه آمده است. در ادامه این بخش اثر تکانه‌ها بر شاخص توسعه فراگیر براساس توابع واکنش ضربه‌ای، تجزیه واریانس و تجزیه واریانس تاریخی بررسی شده است. معناداری تکانه‌ها در سطح فاصله اطمینان ۹۵ صورت گرفته است.

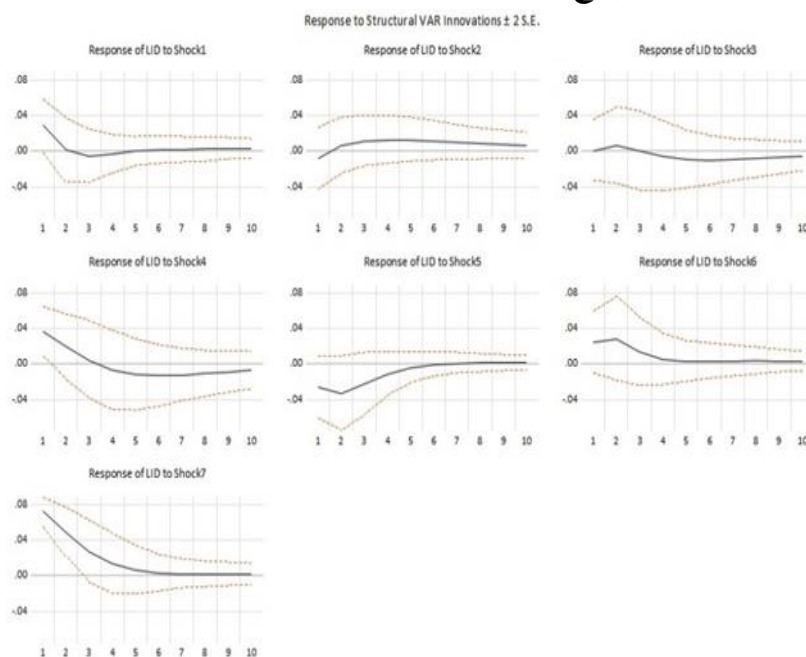
۱-۵. تابع ضربه- واکنش^۱

در قالب تحلیل توابع ضربه- واکنش (IRF) می توان روابط پویای متقابل میان متغیرهای سیستم و واکنش متغیرهای درون‌زا را هنگام روبه‌رو شدن با تغییر دیگر متغیرها مشاهده کرد.

۱-۱-۵. تحلیل تابع ضربه- واکنش (IRF) مدل اول

نتایج نمودار (۱) نشان می‌دهد که یک انحراف معیار (۵ درصد) شوک مثبت از تحولات تولید ناخالص داخلی در دوره اول حدود ۴ درصد شاخص توسعه فراگیر را افزایش داده است و این اثر تنها در دوره اول معنی‌دار است. همچنین شوک درآمدهای نفتی که می‌تواند متأثر از نوسانات قیمت جهانی نفت باشد در دوره اول با افزایش حدود ۳ درصدی شاخص توسعه فراگیر همراه است. البته این اثر در مجموع معنی‌دار نیست.

نمودار ۱. نحوه پاسخ شاخص توسعه فراگیر به تکانه‌های سیاست مالی (مدل اول)



ماخذ: یافته‌های پژوهش

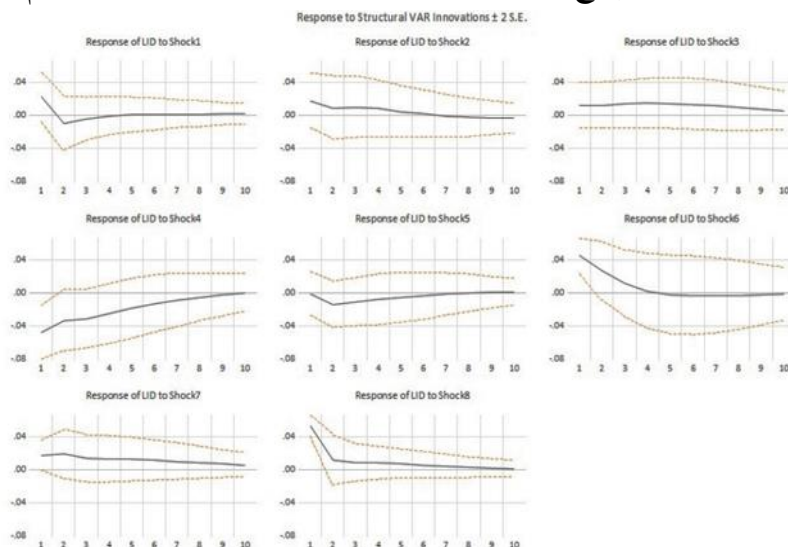
1. Impulse-Response Functions

در مدل اول، اثر تکانه‌های سیاست‌های مالی چه در بخش مخارج (مخارج جاری و عمرانی) و چه در بخش مالیات‌ها (مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم) بر مدل معنی‌دار نیست. عدم معنی‌داری اثر می‌تواند به این معنی باشد که ساختار مالیاتی در خدمت سیاست‌گذاری مالی دولت در ایران نیست. به تعبیر دیگر، یافته‌ها نشان نمی‌دهد سیاست مالی در ایران در بازه تحت بررسی از طریق ابزارهای مالیاتی تاثیر معنی‌داری بر مجراهای تحت تاثیر قرار دادن توسعه فراگیر (کاهش نابرابری‌های توزیعی، کاهش نوسانات اقتصادی و مقابله با رکودها) داشته است. با این وجود به دلیل ترکیبی بودن شاخص و ترکیب شدن ابعاد گوناگون در شاخص، نسبت به نتیجه‌گیری سریع از نتایج احتیاط کرد.

۵-۱-۲. تحلیل تابع ضربه- واکنش (IRF) مدل دوم

همانگونه که در نمودار (۲) مشاهده می‌شود مخارج دولت در این مدل به چهار بخش تقسیم شده است. در اینجا درحالی که اثر شوک‌های مخارج عمومی، دفاعی و اجتماعی بر توسعه فراگیر معنی‌دار نیست، تکانه ناشی از مخارج اقتصادی دولت، اثر معنی‌دار و منفی بر توسعه فراگیر دارد. به تعبیر دیگر، افزایش مخارج در حوزه اقتصادی که به معنی فراهم کردن امکانات تولید، توزیع و مصرف در جامعه از طریق ایجاد و توسعه ظرفیت‌های اقتصادی است و هزینه در زمینه‌هایی مانند کشاورزی، آب و برق، صنایع و معادن، بازرگانی، نفت و گاز و... را دربر می‌گیرد، افزایش فراگیری توسعه را به دنبال ندارد.

نمودار ۲. نحوه پاسخ شاخص توسعه فراگیر به تکانه‌های سیاست مالی (مدل دوم)



ماخذ: یافته‌های پژوهش

۲-۵. تجزیه واریانس

تجزیه واریانس پیش‌بینی برای نشان دادن درصد خطای پیش‌بینی توضیح داده شده به وسیله خود متغیر و نیز سایر متغیرها استفاده می‌شود.

جدول ۶. تجزیه واریانس (مدل اول)

Elid	Elt_indr	Elt_dr	Elgdp	Elg_dev	Elg_cur	Eloil	S/E/	period
۵۹/۶۹	۷/۰۵	۷/۹۶	۱۵/۰۳	۰	۰/۷	۹/۵۵	۰/۳۵	۱
۵۵/۴	۱۰/۷۷	۱۴/۹۷	۱۱/۳۳	۰/۲۶	۱/۵۷	۵/۷	۰/۴۵	۳
۵۱/۸۷	۱۰/۱۲	۱۴/۵۱	۱۲/۴۹	۱/۵۲	۴/۲۴	۵/۲۵	۰/۵۵	۶
۴۸/۹۹	۹/۸۱	۱۳/۷۲	۱۳/۹۹	۲/۷۹	۵/۶۱	۵/۰۹	۰/۶۵	۱۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج تجزیه واریانس مدل اول که در جدول (۶) آمده نشان می‌دهد که در نوسانات شاخص توسعه فراگیر در ابتدا بیشترین سهم از آن خود شاخص و سپس شوک‌های درآمد

نفتی است، اما در ادامه به تدریج سهم مالیات مستقیم و غیرمستقیم در تغییرات شاخص توسعه فراگیر افزایش یافته است.

جدول ۷. تجزیه واریانس (مدل دوم)

Elid	Eltax	Elgdp	Elg_soc	Elg_eco	Elg_mlt	Elg_pu	Eloil	S/E/	period
۳۳/۶۷	۳/۷۱	۲۴/۲۹	۰	۲۶/۶۵	۱/۹۲	۳/۷۶	۵/۹۹	۰/۳۵	۱
۲۳/۵۷	۶/۸۶	۲۲/۲۹	۲/۱۵	۳۲/۶۱	۳/۸۸	۳/۹۵	۴/۶۹	۰/۴۸	۳
۲۰/۷	۸/۸۸	۱۸/۶۹	۲/۳۵	۳۴/۲۲	۷/۲۸	۳/۹۵	۳/۹۳	۰/۶۱	۶
۱۹/۹۳	۱۰/۱۴	۱۷/۸۸	۲/۲۶	۳۳/۰۹	۸/۹۸	۳/۸۹	۳/۸۳	۰/۷۳	۱۰

ماخذ: یافته‌های پژوهش

نتایج تجزیه واریانس مدل دوم که در جدول (۷) آمده است، نشان می‌دهد ورود متغیر مخارج اقتصادی دولت، می‌تواند تغییر زیادی نسبت به مدل اول ایجاد کرده و حدود یک چهارم نوسانات شاخص توسعه فراگیر را توضیح دهد. این نتیجه برخی یافته‌های پژوهش‌های پیشین را چنین تکمیل می‌کند که اثر مخارج اقتصادی، بیشتر کاهشدهنده فراگیری توسعه است.

۳-۵. تجزیه واریانس تاریخی

با توجه به اینکه نوسانات شاخص توسعه فراگیر می‌تواند متأثر از تحولات تاریخی و رفتار متفاوت دولت در دوره‌های مختلف باشد، تجزیه واریانس تاریخی می‌تواند ابعاد مهمی از رفتار متغیرها را توضیح دهد.

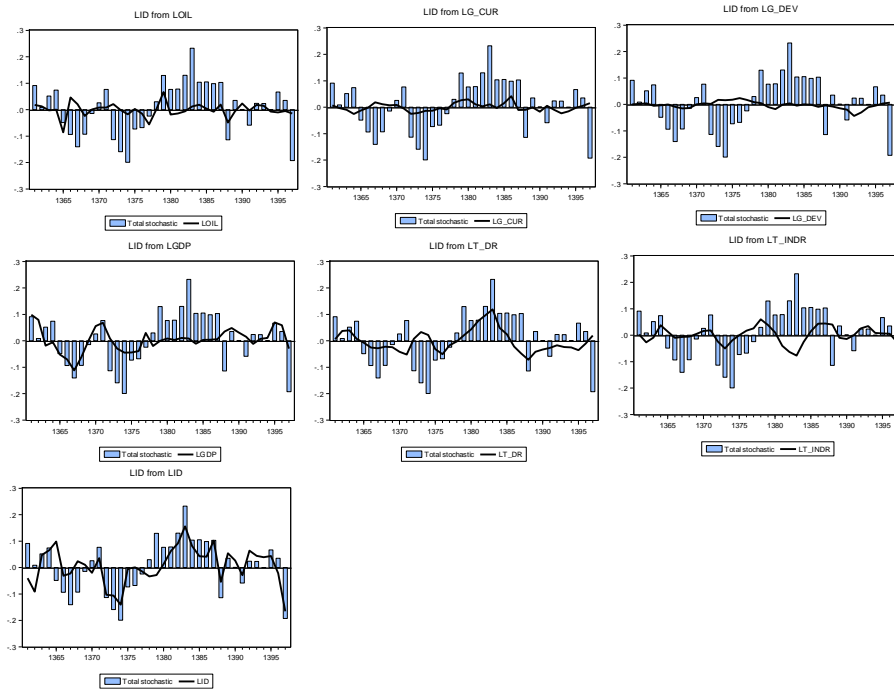
بر اساس اطلاعات نمودارهای (۳) و (۴)، روند تغییرات درآمدهای نفتی، تولید ناخالص داخلی، مالیات‌ها و به ویژه مخارج اقتصادی و دفاعی دولت با نوسانات شاخص توسعه فراگیر همخوان است که بیانگر تاثیر آنها بر تحولات شاخص است. این درحالی است که هزینه‌های بخش اجتماعی که بسیار می‌توانند به تحولات توسعه فراگیر مربوط باشند در مجموع نوسان گسترده‌ای نداشته است.

البته روند درآمدهای نفتی از سال ۱۳۹۰ با روند تحولات شاخص متفاوت بوده و در برخی سال‌ها در حالی که شاخص با روندی منفی روبه‌رو بوده، درآمدهای نفتی جهش داشته است. برای توضیح این مساله می‌توان به هم‌زمانی اثر تحریم و جهش ارزی اشاره کرد که

در عین کاهش درآمدهای نفتی، معادل ریالی دلارهای نفتی را افزایش داده و همگرایی رفتار شاخص و درآمدهای نفتی را کاهش داده است. بنابراین، باید احتیاط کرده و قید معادل ریالی دلارهای نفتی را نیز لحاظ کرد.

نمودار ۳. تجزیه واریانس تاریخی (مدل اول)

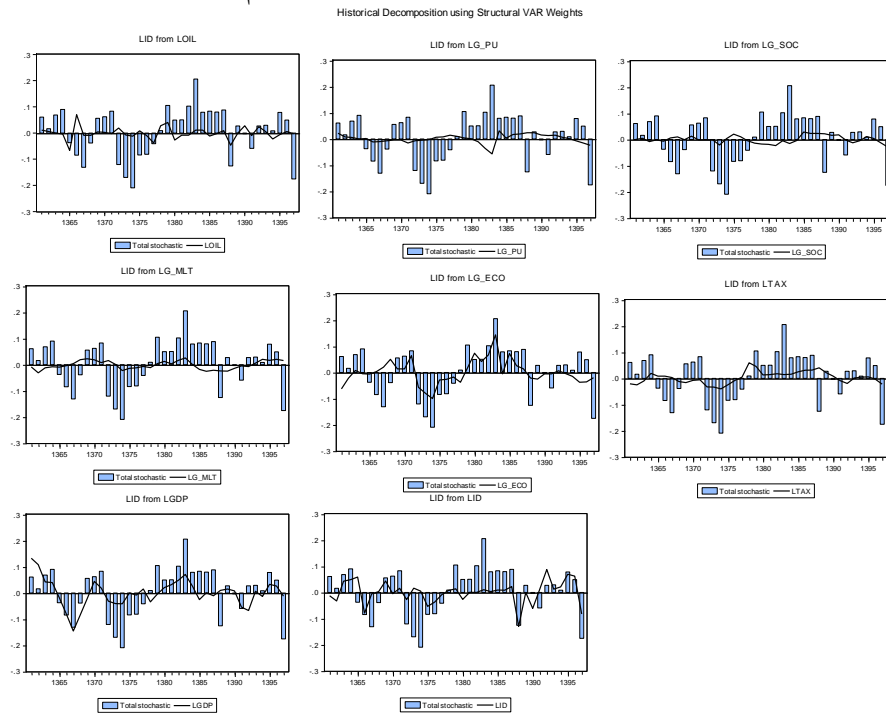
Historical Decomposition using Structural VAR Weights



ماخذ: یافته‌های پژوهش

همچنین شاخص هزینه‌های عمرانی (به قیمت اسمی) در طول سال‌های انتهایی دهه ۱۳۸۰ تا اوایل دهه ۱۳۹۰ روندی کاهشی را طی کرده که شاید برآمده از افزایش کسری بودجه دولت و کاهش هزینه‌های توسعه‌ای آن باشد. این در حالی است که در پنج سال آخر، بودجه عمرانی جهش داشته در حالی که درآمدهای نفتی در این دوره تغییر چندانی نداشته و حتی در سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است. با توجه به عدم وجود پرداختی‌های قطعی خزانه در سال‌های پس از ۱۳۸۴ و مبنای قرار گرفتن اعداد مصوب بودجه، این اعداد را می‌توان پوشش کسر بودجه دولت دانست.

نمودار ۴. تجزیه واریانس تاریخی (مدل دوم)



ماخذ: یافته‌های پژوهش

در آخر باید گفت جابه‌جایی اموری مثل هزینه‌های رفاه اجتماعی در بخش‌های مختلف بودجه و نیز تغییر زیرطبقه‌های مخارج دولت (که هرچند سال یک‌بار رخ می‌دهد) باعث می‌شود تا تجزیه تاریخی گاه تغییر رفتار یکباره متغیرهای سیاست مالی را نشان دهد. بنابراین، می‌توان گفت که شوک‌های مستمر نهادی (تغییر زیربخش‌های مخارج) در کنار تکانه‌های سیاستی بر روند تغییر متغیرها تاثیرگذار بوده و با لحاظ این مساله باید نسبت به تفسیر نتایج احتیاط لازم را مورد توجه قرار داد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه سیاست مالی از جمله ابزارهای اصلی دولت برای تحریک توسعه و افزایش فراگیری آن محسوب می‌شود، نتایج نشان می‌دهد سیاست‌های مالی در ایران در دوره ۱۳۶۰-۱۳۹۷ بجز در بخش مخارج اقتصادی تاثیر معناداری بر شاخص توسعه فراگیر نداشته و در این بخش نیز مخارج دولت بیشتر تاثیر منفی بر تحولات شاخص داشته‌اند.

نتایج همچنین نشان می‌دهد پیوند مثبتی میان بهبود شاخص توسعه فراگیر و رشد درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی مشاهده شده و در مقابل سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌های دولت در عمل آثار معنی‌داری در زمینه تحریک توسعه همراه با برابری و فراگیری بیشتر و دربر گرفتن همه گروه‌ها و اقلیت‌های جامعه به چشم نمی‌خورد. در واقع می‌توان گفت سیاست‌های دولت بیشتر از تحولات برون‌زا (مانند تغییر درآمدهای نفتی) پیروی کرده و مستقل از آن، تاثیر معنی‌داری بر تحولات توسعه فراگیر نداشته یا حتی آن را کاهش می‌دهد. علاوه بر آن، تجزیه واریانس تاریخی نشان می‌دهد این پیوند در سال‌های اخیر تضعیف شده است که شاید بتوان آن را نشانه افزایش بی‌انضباطی مالی در ایران (غیربرنامه‌ای شدن هزینه کرد درآمدهای نفتی) دانست.

باید افزود که به دلیل ترکیبی بودن شاخص، ردیابی آثار سیاست‌گذاری دولت بر بخش‌های گوناگون اقتصاد در این بررسی با پیچیدگی‌های متعدد همراه بوده و مدل کنونی تنها برآیند کلی اثر را نشان می‌دهد (این بررسی نافی امکان معنی‌دار بودن تاثیر سیاست‌های مالی دولت بر زیربخش‌های شاخص نیست). همچنین بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های دولت در قالب سیاست‌های پولی دولت ظاهر می‌شود، مواردی مانند رشد تورم و جهش‌های ارزی که از جمله پیامدهای رشد نقدینگی و سیاست پولی در قریب به چهار دهه گذشته بوده است (عصاری آرانی و همکاران، ۱۳۸۸ و باعجری و همکاران، ۱۳۹۳) از کانون‌های اصلی نابرابری محسوب شده و اثرگذاری سیاست مالی بر توسعه فراگیر را می‌تواند خنثی و یا حتی معکوس سازد. همچنین عدم توفیق سیاست‌های مالی در کنترل اثر تکانه‌های نفتی بر ثبات اقتصاد کلان و رفتار موافق چرخه‌ای آن که به عدم ثبات مالی می‌انجامد، روش دیگر اثرگذاری دولت بر توسعه فراگیر از مجرای سیاست پولی است (هادیان و درگاهی، ۱۳۹۶). عدم بررسی سیاست‌های پولی در مطالعه اخیر می‌تواند به عنوان محدودیت دیگری در جمع‌بندی از نتایج به دست آمده، ظاهر شود.

۱-۶. پیشنهادها

پیشنهاد اول مقاله حاضر، بازنگری در روش‌های تامین مالی سیاست‌های مالی است تا زمانی که اتخاذ سیاست‌های مالی تابعی از تحولات برون‌زا (شوک درآمدهای نفتی) است، عملاً سیاست مالی مشخصی در جهت اهداف توسعه اتخاذ نشده است. همچنین کم و زیاد کردن مالیات‌ها و تنوع‌بخشی به آن باید تابعی از اهداف سیاستی و نه فراز و فرود درآمدهای نفتی

و تلاش بر پوشش کسری منابع حاصل از آن باشد. در واقع اثر معنی‌دار اجزای مالیاتی سیاست مالی در گرو تغییر الگوی ورود منابع نفتی به بودجه و انجام مخارج بر پایه اهداف سیاستی و نه کم و زیاد شدن منابع برون‌زا است.

پیشنهاد دوم مقاله حاضر، انجام هرچه سریع‌تر اصلاحات ساختاری در سمت مصارف بودجه است. معنی‌دار شدن سیاست‌های مالی در گرو برنامه‌ای شدن بودجه و تغییر نگاه به بودجه از ابزار دخل و خرج دولت به ابزار سیاست‌گذاری است. مخارج دولت هنگامی در گرو اهداف سیاستی خواهد بود که تخصیص منابع بر پایه اهداف سیاستی صورت گیرد. پیشنهاد آخر مقاله حاضر، اصلاح اهداف سیاست‌گذاری مالی و فراگیر ساختن آن است. سیاست‌گذاری مالی دولت باید با درکی همه‌جانبه از تبعات توسعه‌ای آن صورت گیرد. این هدف‌گذاری باید موضوع ایجاد فرصت‌های اقتصادی (رشد و اشتغال) را با دو قید کنترل نابرابری‌های توزیعی و جغرافیایی و نیز پایداری و استمرار فرآیندها همراه ساخته و سیاست‌های مالی را با درکی همه‌جانبه از تاثیرات اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی سیاست‌ها همراه سازد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Hossein Rajabpour



<https://orcid.org/0000-0002-5106-7606>

Farshad Momeni



<https://orcid.org/0000-0002-9772-3971>

Ali Nasiri Aghdam



<https://orcid.org/0000-0002-2989-2271>

منابع

- ابونوری، اسماعیل، کریمی پتانلار، سعید و مردانی، محمدرضا. (۱۳۸۹). اثر سیاست مالی بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران: رهیافتی از روش خودرگرسیون برداری. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۰ (۳۸)، ۱۱۷-۱۴۳.
- اکبری، نعمت‌الله، فرهنگ، شکوفه و جمالی، سمیه. (۱۳۹۰). تحلیل فضایی تاثیر سیاست‌های مالی دولت بر نابرابری درآمد در ایران با رهیافت رگرسیون وزنی جغرافیایی (GWR). *اقتصاد مقداری*، ۸ (۳)، ۱-۲۶.
- باغجری، محمود، حسینی نسب، سید ابراهیم و نجارزاده، رضا. (۱۳۹۳). اثر سیاست پولی بر فشار بازار ارز: مطالعه موردی ایران. *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۲ (۷۱)، ۵۳-۷۸.
- توکلی قوچانی، سپیده، هوشمند، محمود، سلیمی فر، مصطفی و گرجی، ابراهیم. (۱۳۹۶). بررسی اثر سیاست مالی به‌عنوان مکانیسم انتشار شوک‌های نفتی در اقتصاد ایران با استفاده از یک مدل خودرگرسیون برداری ساختاری. *مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، ۶ (۲۲)، ۷۷-۹۸.
- دادگر، یداله، نظری، روح‌اله و مهربانی، فاطمه. (۱۳۸۷). تاثیر سیاست‌های مالی و تکانه‌های قیمت بنزین بر توزیع درآمد و رفاه در ایران. *رفاه اجتماعی*، ۷ (۲۸)، ۱۲۹-۱۵۰.
- شفیعی، افسانه، برومند، شهزاد و تشکینی، احمد. (۱۳۸۵). آزمون تاثیرگذاری سیاست مالی بر رشد اقتصادی. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۶ (۴)، ۸۱-۱۱۲.
- عزیزی، فیروزه. (۱۳۸۷). بررسی تاثیر سیاست مالی بر نرخ مشارکت زنان در ایران (۸۶-۱۳۵۵). *پژوهش‌ها زنان (مجله مطالعات زنان)*، ۲ (۳)، ۵۰-۶۳.
- عصاری آرانی، عباس، عاقلی، لطفعلی و شفیعی، سعید. (۱۳۸۸). تاثیر سیاست‌های پولی بر توزیع درآمد در ایران. *اقتصاد مقداری*، ۶ (۳)، ۱۰۵-۱۲۸.
- فلاحی، علی، الماسی، مجتبی و آقایی، فاطمه. (۱۳۸۸). تاثیر سیاست‌های مالی بر توزیع درآمد و رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۸۴. *جستارهای اقتصادی*، ۶ (۱۱)، ۱۰۹-۱۳۱.
- فولادی، معصومه و ستایش، هدیه. (۱۳۹۳). مطالعه آثار سیاست‌های مالی بر تولید، اشتغال و درآمدهای خانوارها در ایران: رهیافت مدل تعادل عمومی. *برنامه‌ریزی و بودجه*، ۱۹ (۱)، ۸۵-۱۰۹.
- قاسمی، محمد و مهاجری، پریسا. (۱۳۹۴). بررسی رفتار چرخ‌های سیاست مالی در ایران. *پژوهشنامه اقتصادی*، ۱۵ (۵۶)، ۷۵-۱۰۴.
- متوسلی، محمود (۱۳۸۲). *توسعه اقتصادی: مفاهیم، مبانی نظری، نهادگرایی و روش‌شناسی*. ج ۱. تهران: سمت.

Reference

- Abbas, S., & Ameen, Y. (2018). Dynamic effects of fiscal policy shocks on macroeconomic variables: An application of SVAR methodology for Pakistan. *Kashmir Economic Review*, 27(1), 116-135.
- Abounoori, E., Karimi, P. S., & Mardani, M. R. (2010). Effects of fiscal policy on macroeconomic variables: VAR approach, *Economics Research*, 10(38), 117-143. [In Persian]
- Acemoğlu, D., & Robinson, J. A. (2016). Paths to inclusive political institutions. In *Economic history of warfare and state formation*. Springer, Singapore, 3-50.
- Addison, T., Niño-Zarazúa, M., & Pirttilä, J. (2018). Fiscal policy, state building and economic development. *Journal of International Development*, 30(2), 161-172.
- Ahmed, S. (2007). More and Better Growth in India: Role of Fiscal Policy. Background paper for “More and Better Growth” Project, Independent Evaluation Group. World Bank. Washington D.C.
- Akbari, N., Farahmand, S., & Jamali, S. (2011). Spatial Analysis of the Effect of Government’s Fiscal Policy on Income Distribution Inequality in Iran:(GWR Approach). *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 8(3), 1-26. [In Persian]
- Al-Shatti, A. S. (2014). The effect of fiscal policy on economic development in Jordan. *International Business Research*, 7(12), 67-76.
- Assari Arani, A., Agheli, L., & Shafiei, S. (2009). The impact of monetary policies on income distribution in Iran. *Quarterly Journal of Quantitative Economics*, 6(22), 105-128. [In Persian]
- Azizi, F. (2008). The effects of government fiscal policies on woman participation rate for the period (1355-86). [In Persian]
- Baghjari M, Hoseininasab E. The Impact of Monetary Policy on Exchange Market Pressure: The Case of Iran. *qjerp*. 2014; 22 (71) :53-78 [In Persian]
- Berg, A. G., & Ostry, J. D. (2011). Inequality and unsustainable growth: two sides of the same coin? IMF Staff Discussion Note. International Monetary Fund.
- Bernanke, B. S., & Gertler, M. (1986). *Agency costs, collateral, and business fluctuations* (No. w2015). National Bureau of Economic Research.
- Bhorat, H., Stanwix, B., & Yu, D. (2014). *Non-income welfare and inclusive growth in South Africa*. Development Policy Research Unit, University of Cape Town.
- Birdsall, N. (2007). Reflections on the macro foundations of the middle class in the developing world. Available at SSRN 1101658.

- Blanchard, O., & Perotti, R. (2002). An empirical characterization of the dynamic effects of changes in government spending and taxes on output. *The Quarterly Journal of Economics*. 117(4), 1329-1368.
- Clements, B., Gupta, S., & Inchauste, G. (2003). Fiscal policy for economic development: An overview. In *Helping Countries Develop: The Role of Fiscal Policy*. International Monetary Fund.
- Dadgar Y, Nazari R, Mehrabani F. The impact of fiscal policy and gas price shock on welfare and income distribution in iran. *refahj*. 2008; 7(28) :129-150 [In Persian]
- Diamond Jr, A. M. (1999). Does federal funding “crowd in” private funding of science? *Contemporary Economic Policy*. 17(4),423-431.
- Estrada, G. B., Lee, S. H., & Park, D. (2014). Fiscal policy for inclusive growth: An overview. *Asian Development Bank Economics Working Paper Series*. (423).
- Falahati, A., Almasi, M., & Aghaei, F. (2009). Impact of fiscal policy to income distribution and economic growth, 1973-2003. [In Persian]
- Fooladi, M., & Setayesh, H. (2014) Study of the effects of fiscal policies on production, employment and household incomes in Iran: A general equilibrium model approach. *The Journal of Planning and Budgeting*, 19(1), 85-110. [In Persian]
- Fournier, J. M., & Johansson, Å. (2016). The effect of the size and the mix of public spending on growth and inequality.
- Fratzscher, M., & Straub, R. (2008). *Asset Prices and Current Account Fluctuations in Industrialized Economies*. V mimeo.
- Friedman, M. (1968). The role of monetary policy. *American Economic Review*. 58(1). 1-17.
- Ghasemi, M., mohajeri, P. (2015). Cyclicity Behaviour of Fiscal Policy in Iran; A Survey. *Economics Research*, 15(56), 75-104. [In Persian]
- Hakimian, H. (2016). Measuring Inclusive Growth: From Theory to Applications in North Africa. *North Africa Policy Series*. 1-44.
- Hur, S. K. (2014). *Government spending and inclusive growth in developing Asia. Inequality, Inclusive Growth, and Fiscal Policy in Asia*. 90.
- Joshi, K. (2011). Regional: Key indicators for asia and the pacific 2011.
- Keynes, J. M. (1964). The general theory of employment, interest and money (1936). *The Collected Writings of John Maynard Keynes*. 7. 1971-9.
- Khan, R. E. A., & Hashmi, B. J. (2015). Fiscal Policy and Income Inequality in Pakistan: An ARDL Approach. *European Journal of Economic Studies*. (3).161-174.

- Krasniqi, M. (2013). Fiscal Policy, Taxes and Their Impact on Economic Development. *Academic Journal of Interdisciplinary Studies*. 2(8). 463-469.
- Motevseli, Mahmoud (1382). *Economic Development: Concepts, Theoretical Foundations, Institutionalism and Methodology*. Ch 1. Tehran: Samt. [In Persian]
- Muscatelli, V. A., Tirelli, P., & Trecoci, C. (2002). Does institutional change really matter? Inflation targets, central bank reform and interest rate policy in the OECD countries. *The Manchester School*. 70(4). 487-527.
- Makower, H. (1953). Problems of Capital Formation in Underdeveloped Countries.
- Osundina, C. K., Ebere, C., & Osundina, O. A. (2014). Disaggregated government spending on infrastructure and poverty reduction in Nigeria. *Global Journal of HUMAN-SOCIAL SCIENCE: E Economics*. 14(5). 1-7.
- Rauniyar, G., & Kanbur, R. (2010). Inclusive growth and inclusive development: a review and synthesis of Asian Development Bank literature. *Journal of the Asia Pacific Economy*. 15(4). 455-469.
- Rodrik, D. (2005). Growth strategies. In (P. Aghion and S. Durlauf, eds.). *Handbook of Economic Growth*.
- Roe, A., & Addison, T. (Eds.). (2004). *Fiscal Policy for Development: Poverty, Reconstruction and Growth*. Palgrave Macmillan.
- Romer, D. (2001). *Advanced Macroeconomic*, Mcgraw-hill.
- Sabir, S., & Qamar, M. (2019). Fiscal policy, institutions and inclusive growth: evidence from the developing Asian countries. *International Journal of Social Economics*. 46(6). 822-837.
- Samans, R., Blanke, J., Drzeniek, M., & Corrigan, G. (2018). The Inclusive Development Index 2018 Summary and Data Highlights. In World Economic Forum, Geneva, Switzerland.
- Sasana, H., & Kusuma, P. (2018). Government expenditure and poverty in Indonesia. *KnE Social Sciences*. 142-153.
- Shafiee, A., Boroumand, S., Tashkini, A. (2006). Testing the effectiveness of fiscal policies on economic growth. *Economics Research*, 6(23), 81-112. [In Persian]
- Sims, C. A. (1986). Are forecasting models usable for policy analysis? *Quarterly Review*. 10 (Win): 2-16.
- Tavakoli, S., Hooshmand, M., Salimifar, M., & Gorji, E. (2017). Investigating the effect of fiscal policy as a mechanism for propagating oil shocks in the

iranian economy using a structural autoregression model. *Quarterly Applied Economic Studies of Iran*, 22, 77-98. [In Persian]
Zulfiqar, K. (2018). Fiscal Policy for Inclusive Growth: A Case Study of Pakistan. *Pakistan Economic and Social Review*. 56(1). 21-46.

استناد به این مقاله: رجب پور، حسین، مومنی، فرشاد، نصیری اقدم، علی. (۱۴۰۱). سنجش اثر سیاست مالی بر توسعه فراگیر در ایران رهیافت SVAR، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۲۷ (۹۰)، ۳۹-۹.



Iranian Journal of Economic Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.